

پس از طوفان

آب پانزده متر بالاتر از بلندترین قله ی کوه ها رسید. بارها سرنشینان کشتی احساس کردند که آنان نیز از بین خواهند رفت. پنج ماه کشتی در آغوش امواج باطراف کشانده می شد. تجربه بسیار خسته کننده ای بود ولی ایمان نوح هرگز متزلزل نگردید زیرا اطمینان داشت که دست قادر مطلق در کار است. بمجردیکه آب شروع بفرود نشستن کرد خداوند کشتی را بسوی دره ای که با کوه ها محاصره شده بود هدایت کرد. کوه ها از همدیگر فاصله زیادی نداشتند و کشتی بین آنها به آرامی روی آبها شناور بود و از امواج دریای متلاطم محفوظ ماند. این آرامش برای ساکنان وحشت زده کشتی آسودگی خاطر بیار آورد. نوح و خانواده اش با اشتیاق زیاد منتظر کاهش آبها بودند و آرزو داشتند بار دیگر روی زمین گام بگذارند. چهل روز پس از پیدایش قله کوه ها کلاغی را جهت کسب اطلاع از وضع زمین از کشتی آزاد کردند. کلاغ چون جای خشکی نیافت بکشتی مراجعت کرد. هفت روز بعد کبوتری را آزاد کردند و آن نیز بزودی به کشتی باز گشت. نوح یک هفته دیگر صبر کرد و کبوتر را دوباره آزاد کرد. شامگاهان در مراجعت برگی از درخت زیتون بر منقار داشت که شادی عظیمی در آنان بوجود آورد. سپس "نوح پوشش کشتی را برداشته نگریست و اینک روی زمین خشک بود." (۱) آنگاه بهمان نحوی که بفرمان خدا وارد کشتی شده بود در انتظار فرمان او برای خروج تأمل کرد. آخرالامر فرشته ای نازل شده دروازه بزرگ کشتی را گشود و دستور خروج

نوح و خانواده اش و هر موجود زنده ای را که همراه داشت صادر کرد. شادی و مسرت نجاتشان از آن مهلکه مانعی نبود که بخواهد موجب شود نوح خدائی که او را با فیض و رحمت عظیمش نجات داده بود فراموش کند. اولین اقدامش پس از خروج از کشتی بنای مذبحی بود که بر آن از هر نوع حیوان و پرنده حلال قربانی بگذرانند. بدین ترتیب سپاس خود را به خدا اعلام کرد و ایمانش را بمسیح قربانی بزرگ بثبوت رسانید. قربانی نوح مورد پسند خداوند قرار گرفت و در نتیجه نوح و خانواده اش و تمام کسانی را که بعداً باید ساکن زمین شوند مبارک خواند. "خداوند بوی خوش بوئید و خداوند در دل خود گفت بعد از این دیگر زمین را بسبب انسان لعنت نکنم. مادامیکه جهان باقیست زرع و حصاد و سرما و گرما و زمستان و تابستان و روز و شب موقوف نخواهد شد." (۲) این درس عبرتی برای جمیع بشر بود. وقتی نوح از کشتی خارج شد پا بر عرصه خالی و ویران جهان نهاد ولی قبل از اینکه خانه ای برای خود بسازد اول مذبحی برای خدا بنا کرد. بجز از چند رأس گاو که آنها به بهائی گران برایش مانده بود چیز دیگری نداشت. ولی او بهترین آنها را به خدا اختصاص داد تا مالکیت خدا را اعتراف کرده باشد. به همان ترتیب ما نیز باید اعظم هستی و دارائی خود را باو تسلیم نمائیم و برکات فیض بخش خدا را با شکر و سپاس اعلام داریم.

مبادا ظهور ابر در آسمان و ریزش باران مردم را به وحشت وقوع طوفان دیگری بیاندازد، خداوند بنوح و خانواده اش این وعده را تأکید نمود: "عهد خود را با شما استوار میگردانم . . . آنها خواهیم نگرست تا بیاد آورم آن عهد جاودانی را که در میان خدا و همه جانورانست." (۳)

چقدر عظیم است شفقت و مهر خداوند نسبت به مخلوقات خطاکارش، در میان ابرها رنگین کمان را بمنظور نشانه پیمان خود و وفادارانش قرار داد. خداوند

میفرماید هر وقت قوس مذکور را ببند عهد و پیمان خود را بخاطر خواهد آورد. منظور این نسبت که گاهی عهد خود را فراموش میکند و این یک اصطلاح بشری است تا ما مقصود او را بهتر درک کنیم. خواست خدا بر این بود که هرگاه نوادگان نوح قوس را دیده معنی آن را جویا شوند والدین موقعیت را غنیمت شمرده داستان طوفان را برایشان تعریف کنند و بگویند که خداوند قوس را در آسمان جهت اطمینان خاطر مردم قرار داد بدین معنی که دیگر دنیا را با آب هلاک نخواهد کرد. بدین ترتیب نسلی به نسل دیگر گواه محبت پروردگار و نمایانگر تضمین اعتماد بوی باشد.

اطراف عرش خداوند در آسمان علامتی شبیه قوس آنرا احاطه کرده است. نبی میگوید: "مانند نمایش قوس قزح که در روز باران در ابر میاشد همچنین آن درخشندگی گرداگرد آن بود، این منظر شباهت جلال بیهوده بود." (۴) "در آسمان تختی قرار داشت و بر روی آن تخت کسی نشسته بود . . . و در گرداگرد تخت رنگین کمانی بود به درخشندگی زمرد." (۵) تا هرگاه انسان در نتیجه گناه مستحق عقوبت الهی شود، مسیح در مقام شفاعت بقوس اشاره کرده رحمت خدا را نسبت به توبه کنندگان خواستار خواهد شد.

توأم با اطمینان خاطری که خداوند در مورد عهد خود و تکرار طوفان بنوح داد در پیام دیگری در مورد فیض خود میافزاید: "چنانکه قسم خوردم که آبهای نوح بار دیگر بر زمین جاری نخواهد شد همچنان قسم خوردم که بر تو غضب نکنم و ترا عتاب ننمایم. هر آینه کوه ها زایل خواهند شد و تلهای متحرک خواهند گردید لیکن احسان من از تو زایل نخواهد شد و عهد سلامتی من متحرک نخواهد گردید. خداوند که بر تو رحمت میکند اینرا میگوید." (۶)

هنگامی که نوح و حیوانات درنده از کشتی خارج می شدند از اینکه مبدا

خانواده هشت نفری اش توسط آنان نابود شوند هراسان شد. ولی خداوند توسط فرشته ای این پیام را بوی رسانید: "و خوف شما و هیبت شما بر همه حیوانات زمین و بر همه پرندگان آسمان و بر هر چه بر زمین میخزد و بر همه ماهیان دریا خواهد بود بدست شما تسلیم شده اند و هر جنبنده ای که زندگی دارد برای شما طعام باشد همه را چون علف سبز بشما دادم." (۷) تا این موقع خداوند اجازه خوردن گوشت حیوانات را نداده بود. نظر خداوند این بود که نوع بشر فقط از محصول زمین تغذیه کند ولی اکنون که تمامی نباتات و سبزیهای زمین از بین رفته بودند خوردن گوشت حیوانات حلالی را که در کشتی نگهداری شده بود مجاز کرد.

سطح کره زمین در اثر طوفان بکلی تغییر یافته بود. بخاطر گناه این سومین بلائی بود که بر زمین وارد آمده بود. در اثر فرو نشستن آبها قله کوه ها و تپه ها بوسیله دریای وسیع و گل آلود احاطه شد و در هر سو اجساد مردم و حیوانات دیده میشد. بمنظور حفظ فضای زمین از تعفن اجساد فاسد، خداوند گورستان عظیمی بر روی زمین ایجاد کرد بدین ترتیب که باد شدیدی وزیدن گرفت تا آبها را خشکاند و قله کوه ها همراه با درختان و صخره ها و خاک اجساد مذکور را پوشانند. در همین جریان طلا و نقره و سنگهای گرانبهائی که قبلاً سطح زمین را زینت بخشیده و معبود ساکنان زمین گردیده بود زیر آوار از دید مردم پنهان و مدفون گردیدند. خداوند آگاه بود که هر چه ثروت انسان خطاکار زیادتر شود بر فسادش افزوده میگردد و در نتیجه گنجهای را که میباید جلال سازنده اش را آشکار سازد مورد عبادت قرار گرفته ، به بی حرمتی خالق خواهد انجامید.

دنیا صورت هرج و مرج غیر قابل وصفی بخود گرفته بود. کوه های آنچنان زیبا و عظیم حال شکسته و بی قواره گردیده بودند. صخره ها، پرتگاه ها و مکانهای

خطرناک فراوانی سطح زمین را پوشانیده بسیاری از کوه ها و تپه ها ناپدید و دشتهای وسیع با کوه ها پوشانیده شدند. این تغییرات در بعضی نقاط بیشتر بچشم میخورد، در جاهائی که طلا و نقره و سنگهای گرانبها فراوانتر بود مخاطرات بیشتری بچشم میخوردند. بر مناطق غیر مسکون و جایهائی که کمتر جنایت واقع شده بود اثرات لعنت کمتری بنظر میرسید.

در اثر طوفان جنگلهای انبوه و بزرگ دفن شدند. این درختان در مرور قرنها به ذغال و نفت تبدیل شدند. گاهی زیر فشار عظیم ذغال و نفت در اعماق زمین آتش گرفته میسوزد. سنگها گداخته، آهک سوخته و آهن ذوب میشود. اثر رطوبت بر آهک گرمائی شدید ایجاد می کند که در نتیجه زمین لرزه ها، آتش فشانى ها و شعله های سرخ فام آن پدید می آیند. وقتی که آتش و آب به طبقات سنگ و آهن می رسند انفجار شدیدی مانند رعد در آسمان بوجود میآورند. آب و هوا گداخته گشته غیر قابل استنشاق می شود. کوه های آتشفشان فعال شده تمام مناطق اطراف خود را چون امواج دریا بالا و پائین میبرد. گاهی شکافهای ایجاد شده بقدری در سطح زمین وسیع می شوند که شهر ها و دهات و کوه ها را در خود میبلعند. چنین اوضاعی در روزهای آخر قبل از ظهور مسیح رفته رفته افزایش یافته که خود نشان قریب الوقوع انهدام نهائی جهان خواهد بود.

خداوند اعماق زمین را مخزن سلاحهای خود قرار داد تا از آن برای انهدام جهان کهنه استفاده کند. آبهای زیر زمین با کمک آبهای آسمانی توأماً ر میسازند. پس از طوفان نوح آب و آتش هر دو برای از بین بردن شهرهای شریران بکار برده میشود. این تنبیهات بر کسانی که احکام خداوند را ناچیز می شمارند نازل میشود تا در برابر عظمت الهی بخود آمده حکومت عادلانه او را بپذیرند. با مشاهده کوه های مشتعل که رودی از مواد ذوب شده از

بطنشان جاری و چشمه های آب را خشک کرده، شهرهای پر جمعیت را زیر لایه خود پوشانده و خرابی و اضمحلال همه جا را در بر گرفته اینها همه قویترین دلها را بوحشت آورده و فریاد مشرکین را خاموش میسازد تا پی بقدرت قادر مطلق برده و در برابر او سرتعظیم فرود آورند.

انبیای قدیم با دیدن این مناظر چنین گفته اند: "کاش آسمانها را منشق ساخته نازل میشدی و کوه ها از رؤیت تو متزلزل میگشت. مثل آتشیکه خورده چوبها را مشتعل سازد و باریکه آبرا بجوش آورد تا نام خود را بر دشمنانت آشکار سازی و امتها از رؤیت تو لرزان گردند. چینیکه کارهای هولناک را که منتظر آنها نبودیم بجا آوردی، آنگاه نزول فرمودی و کوه ها از رؤیت تو متزلزل گردید." (۸) "راه خداوند در تندباد و طوفان است و ابرها خاکپای او میباشد و دریا را عتاب میکند و آنرا میخشکاند و جمیع نهرها را خشک میسازد." (۹)

در زمان بازگشت مسیح دنیا وضع وحشتناکتری را شاهد خواهد بود. "کوه ها از او متزلزل و تلها گداخته میشوند و جهان از حضور وی متحرک میگردد و ربع مسکون و جمیع ساکنانش. پیش خشم وی که تواند ایستاد و در حدت غضب او که تواند برخاست؟" (۱۰) "ای خداوند آسمانهای خود را خم ساخته فرود بیا و کوه ها را لمس کن تا دود شوند. رعد را جهنده ساخته آنها را پراکنده ساز، تیرهای خود را بفرست و آنها را منهدم نما." (۱۱)

"و در آسمان شگفتی ها و بر روی زمین نشانه هائی ظاهر خواهیم نمود، یعنی خون، آتش و دود غلیظ." (۱۲) "و رعد و برق و صداهای مهیب شنیده شد و زمین لرزه شدیدی رخ داد که مانند آن در تاریخ بشر هرگز دیده نشده بود . . . جزیره ها همه ناپدید و کوه ها محو شدند. دانه های تگرگ بسیار بزرگ به وزن پانزده من از آسمان بر سر آدمیان بارید و مردم به خاطر این تگرگ خدا را کفر

می گفتند زیرا این بلائی بسیار وحشتناک بود." (۱۳)

هنگامی که برق آسمانی با آتشیهای زمینی متحد شوند کوه ها مانند تنور ملتهب خواهند سوخت و رودخانه های سنگ ذوب شده باغها و کشتزارها و دهات و شهرها را مستغرق خواهند کرد. مواد گداخته در نهرها ریخته آب آنها را بجوش خواهد آورد. صخره های عظیم الجثه با قدرت بیسابقه ای بفضا پرتاب شده و قطعات آنها به دشتهای دور دست پراکنده خواهند شد. رودخانه ها خشک گردیده و شکافهای ژرفی بر سطح زمین بوجود خواهند آمد. زلزله ها و انفجارهای غیرقابل وصف در هر جا واقع شده باعث وحشت و ناراحتی مردم خواهند شد.

بدین منوال خداوند دنیا را از وجود شریبران پاک خواهد کرد. ولی عادلانی مانند نوح در آن زمان محفوظ خواهند بود. خداوند ملجأ آنان بوده بوی توکل خواهند نمود. نویسنده مزمور میگوید: "زیرا گفتم تو ای خداوند ملجای من هستی و حضرت اعلی را مأوای خویش گردانیده، هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد، و بلائی نزد خیمه تو نخواهد رسید . . . چونکه بمن رغبت دارد او را خواهم رهانید، چونکه باسم من عارف است او را سرافراز خواهم ساخت." (۱۴) زیرا که در روز بلا مرا درسایبان خود نهفته، در پرده خیمه خود مرا مخفی خواهد داشت، و مرا برصخره بلند خواهد ساخت." (۱۵)